



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۴
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

مجید مجیدی در کارگاه انتقال تجربه عنوان کرد:

فیلمی که ایدئولوژیک شود اصلا حرکت نمی کند



آمد اما دیدم حال از صحنه‌هایی که می‌گیرد بد می‌شود و فیلم در حال نابودی است پس کنارش گذشتم بعد مرحوم ملک‌زاده را آوردم که عین شکارچی برای من بود ساعت‌ها پشت ویزور می‌نشست. وی اذعان داشت: یکی از دلایلی که من سراغ بازیگران چهره نمی‌روم این است که آنها به تکرار می‌افتند. دوست دارم آدم‌ها در فیلم‌هایم بکر بکر باشند. چون فیلم تماما حس است و باید بتوانید حس‌ها را به خوبی منتقل کنید. تجربه بازیگری من هم در کارم تاثیر داشته است چون می‌دانم بازیگری که جلوی دوربین است چه فشاری رویش هست. با این حال یکی از راهکارهای مادر فیلمسازی این بود که برخی سکانس‌ها را در تمرین می‌گرفتیم مثلاً در «بید مجنون» پرستویی نمی‌دانست کی ضبط پلان‌هایی اصلی و کدام تمرین است. حتی یک جاهایی او را فریب می‌دادیم و نمی‌گرفتیم. مجیدی درباره اینکه چگونه فیلم نباید به ورطه شکارزدگی بیفتد توضیح داد: فرمول ساده‌ای به شما می‌گویم، فطرت انسانی زبان ابدی و ازلی است. واژه‌هایی مثل «محبت»، «گذشت»، «فداکاری»، «ایثار» و... وجوه معرفتی درباره همه است ما نمی‌توانیم بگوییم انسان‌هایی در گوشه دنیا هستند که محبت و عشق را نمی‌فهمند یا وجود خداوند را درک نمی‌کنند همه این‌ها در وجود ما تعبیه شده است. وقتی به این زبان نزدیک می‌شویم این زبان زبانی همه گیر و جهانی است اما همین موارد به محض اینکه از وجوه فطری بیرون می‌آید و تبدیل به ایدئولوژی می‌شود همان جاست که پس‌زنده می‌شود پس به وجوه معرفتی و فطرت انسانی نزدیک شوید. این کارگردان سینما ادامه داد: در مواجهه با برخی از فیلم‌های ایرانی می‌گویم فقط کره م‌ماه آن را ندیده، چون همه جای دنیا آن را دیده‌اند. اما فیلم به محض اینکه ایدئولوژیک شود اصلا حرکت نمی‌کند بنابراین وجوه فطرت بشری مهم است اصلا پیامبران برای همین آمدند، پیامبران آمدند تا وجوه فطرت بشری را احیا کنند هنر همبرای همین است اما در کشور ما همه چیز سلیقه‌ای است. مدیران به محض اینکه می‌آیند می‌خواهند آدم‌ها را شکل دهند، همه چیز را سیاسی کنند و نتیجه آن هم می‌شود همین سینمای بی‌هویت.

را از داخل همین کوچه و خیابان‌ها بیایم، شخصیت‌های فیلم‌های «بچه‌های آسمان» و «رنگ خدا» را از داخل همین کوچه و خیابان‌ها می‌یافتیم، با آنان مدتی زندگی کردم و از نزدیک با ایشان همراه شدم. مجیدی در بخش دیگری از سخنانش اظهار کرد: در فیلم «بچه‌های آسمان» پدر یکی از بچه‌ها نابینا بود، همین طوری به ذهنم رسید که با این پدر همراه شوم و به مجتمع آموزشی شبانه روزی نابینایان بروم. وارد آن فضا شدم و با یک سری بچه‌ها که هفت ساله بودند، آشنا شدم. وی گفت: آن زمان که می‌خواستم «بچه‌های آسمان» را بسازم آن را همه جارد کردند از فارابی، تلویزیون و حوزه هنری تا جاهای دیگر به من می‌گفتند مگر این فیلم می‌شود؟ این یک کار ده دقیقه‌ای است، این چه قصه‌ای است؟ حتی دوستان خودم می‌گفتند این چه قصه‌ای است اما سه سال روی آن ایستادم. می‌دانستم که یک فیلم خوب می‌شود چون آن را زیست کرده بودم. آن حس و عزت‌مندی را دیده بودم. در دوره‌ای در دهه هفتاد موجی از سینمای تلخ و گزنده اجتماعی مد شده بود که اتفاقاً می‌خواستم مقابل آن نوع سینما، فیلم دیگری بسازم. کانون پرورش فکری هم با شرط و شروط و با واسطه‌ای پیش آمد چون می‌گفتند «بچه‌های آسمان» به درد یک فیلم کوتاه می‌خورد با این حال برعکس هم اتفاق افتاده است فیلم‌هایی بودند که همه می‌گفتند بساز اما خودم به آنها باور نداشتم و نساختم. این فیلمساز اظهار کرد: با همه این توصیفات اما مراقب باشید که این باورمندی به خودشیفتگی منجر نشود. نکته دیگر این است که در فیلمسازی به ویژه در نگارش فیلمنامه، گروهی عمل کنید. این موضوع به خلاقیت شما کمک می‌کند. سه چهار نفره درباره یک فیلمنامه بحث کنید و بنویسید. ریسک نکنید و تنهایی ننویسید. چون یک فیلم را گروهی از آدم‌ها می‌سازند. پادم است در «بچه‌های آسمان» در انتخاب فیلمبردار اشتباه کردم در حالی که او عکاس زبردستی بود اما فیلمبردار خوبی نبود. اتفاقاً چند روز هم سر صحنه

مجید مجیدی در کارگاه انتقال تجربه شصت و نهمین جشنواره منطقه‌ای سینمای جوانان ایران با عنوان مهر و شید، که در محل سینما ملل برگزار شد، افزود: اعتقاد دارم که سینماگران جوان جزو ذخیره سینمای ایران هستند و می‌توانند از آن پشتیبانی کنند. سینمایی که بسیار مهجور مانده و در دهه گذشته آسیب زیادی دیده است. وی اظهار کرد: سینمایی که یک روز همه با علاقه جلوی آن صف می‌بستند و فیلم‌های دهه‌های مختلف را می‌دیدند و ساعت‌ها راجع به آن بحث و گفت‌وگو می‌کردند، امروز گویی بر آن غبار مرگ پاشیده است و به یک سینمای بی‌هویت که مشخص نیست متعلق به کجاست، تبدیل شده است. سازنده فیلم بید مجنون گفت: در جشن صد سالگی سینما که در سال ۱۳۷۹ برگزار شد، هشدار دادم که صدای پای ابتذال دارد می‌آید و دیری نخواهد پایید که ابتذال پیکره سینما را در بر خواهد گرفت. به گفته مجیدی، امروز شاهد این هستیم که پیکره سینما را ابتذال گرفته و پلنگ‌مها به عنوان آثاری مخرب چه به جهت فرهنگی و چه به جهت هنری و در قالب هر ساختاری که آن را بنامیم، بدون آنکه نسبتی با مردم، سینما و این کشور داشته باشند، در عرصه سینما گسترش یافته‌اند که نسبتی با آرمانها و اندیشه و فرهنگ بومی و هویتی ما ندارند، سینمایی که شاید اقتباسی از سرپالها یا فیلم‌های خارجی باشد. این فیلمساز برجسته کشور گفت: مهمترین وجه فیلمساز آن است که خوب ببیند، خوب تماشا کند و به جزئیات توجه نماید، فیلمسازی یک کشف است، مانند آنکه شما سیاره‌ای را کشف کرده باشید. تازمانی که قصه برای خودتان ثبت نشود، آن اثر، اثر سینمایی نخواهد شد. مجیدی اظهار کرد: فیلمسازی باید در وهله اول از صافی وجود شما عبور کند، تجربیات شما در فیلمسازی مهم است و از همه مهمتر زیست؛ هیچ چیز مثل زیست به شما کمک نمی‌کند، خیلی از قلمرو خودتان بیرون نروید اگر هم می‌روید جایی بروید که کشف کرده و با آن مانوس شده باشید. این فیلمساز ادامه داد: غالباً دوست داشتم که آدم‌های قصه‌هایم

